

ترجمه گفتگو

بدون تردید، ترجمه قسمتهای توصیفی یک اثر ادبی دشوارتر از ترجمه گفتگوهای آن است. با این حال، ترجمه گفتگو نیز دشواریهایی دارد و ضعف و قدرت مترجمان در ترجمه گفتگوها بسادگی آشکار می‌شود. در ترجمه گفتگوهای یک اثر ادبی، مترجم ناچار است بر خلاف بخشهای توصیفی اثر، در بسیاری از موارد از ترجمه لفظ به لفظ پرهیز کند. گاه لازم است مترجم موقعیت گفتگو در متن اصلی را با موقعیتی خیالی و مشابه در زبان مقصد مقایسه کند و در ترجمه هر جمله از خود بپرسد: در چنین موقعیتی گویندگان زبان مقصد چه عبارتی و چه بیانی به کار می‌بردند. این نوع ترجمه مستلزم دانش زبانی- فرهنگی- اجتماعی بسیار بالایی است و کار مترجمانی که فاقد چنین دانش یا شمی هستند، بناچار «ترجمه گون» و «غیرطبیعی» جلوه خواهد کرد.

در ترجمه گفتگو باید پنج اصل زیر رعایت شود:

۱- ترجمه مبتنی بر درک درست و همه‌جانبه‌ای از متن اصلی باشد.

۲- طبیعی به نظر برسد.

۳- دارای انسجام زبانی cohesion و انسجام کنشی coherence باشد.

۴- یکدست consistent باشد.

۵- متناسب با سن، سواد، مخاطب، مقصود و موقعیت اجتماعی- فرهنگی- تاریخی گوینده و داستان باشد.

آنچه در زیر از نظر خوانندگان می‌گذرد، دو ترجمه مختلف از بخشی کوتاه از نمایشنامه اتللو اثر ویلیام شکسپیر است. ترجمه اول به قلم ابوالقاسم خان ناصر الملک (داستان غم انگیز اتلومغربی دروندیک، ۱۹۶۱، چاپ مطبعه ملی - فرانسه، پاریس) به سال ۱۲۹۶ انجام شده است. ترجمه دوم کار م.ا. به آذین (اتللو، ۱۳۴۰، چاپ دوم، شرکت سهامی نشر اندیشه) می‌باشد.

خواننده با اتکا به شم زبانی و فرهنگی خود وبا توجه به موقعیت گفتگو (گویندگان در فضایی تاریخی- ادبی سخن می‌گویند) خود می‌تواند در مورد دو ترجمه زیر قضاوت کند و ببیند کدامیک از اصول پنجگانه فوق نقض شده است.

EMILIA

Madam, here comes my lord.

CASSIO

Madam, I'll take my leave.

DESDEMONA

Why, stay and hear me speak.

CASSIO Madam, not now: I am very ill at ease,
Unfit for mine own purposes.

DESDEMONA

Well, do your discretion. *Exit Cassio*

IAGO Ha! I like not that.

OTHELLO What dost thou say?

IAGO Nothing, my lord; or if – I know not what.

OTHELLO

Was not that Cassio parted from my wife?

IAGO

Cassio, my lord? No, sure, I cannot think it
That he would sneak away so guilty-like,
Seeing you coming.

OTHELLO I do believe 'twas he.

DESDEMONA

How now, my lord?
I have been talking with a suitor here,
A man that languishes in your displeasure.

OTHELLO Who is't you mean?

DESDEMONA

Why, your Lieutenant, Cassio. Good my lord,
If I have any grace or power to move you,
His present reconciliation take.
For if he be not one that truly loves you,
That errs in ignorance, and not in cunning,
I have no judgement in an honest face.
I prithee call him back.

OTHELLO Went he hence now?

DESDEMONA

Yes, faith; so humbled
That he hath left part of his grief with me
To suffer with him. Good love, call him back.

OTHELLO

Not now, sweet Desdemon; some other time.

DESDEMONA But shall't be shortly?

OTHELLO The sooner, sweet, for you.

DESDEMONA Shall't be tonight, at supper?

OTHELLO No, not tonight.

DESDEMONA

Tomorrow dinner then?

OTHELLO I shall not dine at home.

I meet the captains at the citadel.

ترجمه ابوالقاسم خان ناصرالملک

امیلیا	خانم جان، آقا است می آید.
کاسیو	خانم مرخص می‌شوم.
دزد مونا	چرا، بمان و بشنو چه می‌گویم.
کاسیو	حالا نه، خوش نیستم. روی آنکه برای خود کاری بکنم ندارم.
دزد مونا	چنانکه می‌خواهی بکن. (کاسیو می‌رود).
یاگو	هان این مرا خوش نیامد.
اتلو	چه گفتی؟
یاگو	هیچ آقا... یا اگر ... نپیدانم چه.
اتلو	این کاسیو نبود که از نزد زلم بیرون رفت؟
یاگو	آقا، کاسیو؟ یقین او نبود. گمان نمی‌کنم او ببیند شما می‌آئید و گنه کار مانند دزدیده در برود.
اتلو	گمان می‌کنم او بود.
دزد مونا	آقای بزرگوار خوب آمدید اینجا. با نیازمندی در گفتگو بودم که از بیمه‌ری شما دل آزرده است.
اتلو	که را می‌گوئی؟
دزد مونا	نایب شما کاسیورا می‌گویم. سرور مهربان، اگر مرا روی و توانائی آن هست که دل شما را نرم کنم خواهشمندم با او باز بسر مهر در آئید. اگر کاسیو آن نباشد که راستی شما را دوست می‌دارد و از روی نادانی بد کرده است نه دانسته پس باید گفت من سیمای آدم خوب را نمی‌شناسم. خواهش دارم او را نزد خود بخوانید.
اتلو	او بود حالا از اینجا رفت؟
دزد مونا	بلی چنان سرشکسته که باری از غمش بر دل من نهاده و با او همدرد شده‌ام. جان عزیزم او را نزد خود بخوان.
اتلو	نه حالا دزد مونا نازنینم وقت دیگر.
دزد مونا	آیا بزودی خواهد بود؟
اتلو	جان شیرین برای خاطر تو هر چه زودتر ممکن شود.
دزد مونا	امشب خواهد بود وقت شام؟
اتلو	امشب نه.
دزد مونا	پس - فردا وقت ناهار؟
اتلو	فردا ناهار را در خانه نخواهم بود. باسر کرده‌ها قرار ملاقاتی در قلعه دارم.

ترجمه م.ا. به آذین

امیلیا	بانوی من، اینک سرورم که میآید.
کاسیو	بانوی من، دیگر از شما رخصت رفتن می‌خواهم.
دسد مونا	برای چه؟ بمان و گوش کن چگونه سخن خواهم گفت.
کاسیو	نه، بانوی من، خاطر من سخت پریشان است، نخواهم توانست کمکی به پیشرفت مقصود خود کنم.
دسد مونا	باشد، هر گونه که خود می‌پسندید.
یاگو	ها! هیچ خوشم نیامد.
اتللو	چه می‌گوئی؟
یاگو	هیچ، سرور من؛ شاید هم نمی‌دانم چه می‌گویم.
اتللو	این کاسیو نبود که از پیش زخم رفت؟
یاگو	کاسیو، سرور من؟ نه، یقیناً نه. نمی‌توانم تصور کنم که او همینکه ببیند شما آمده‌اید مانند گناهکاران در برود.
اتللو	یقین دارم که خودش بود.
دسد مونا	ها، سرور من، شمائید؛ من اینجا با یک دادخواه، با کسی که از خشم شما پاک دل آزرده است، سخن می‌گفتم.
اتللو	منظورتان چه کسی است؟
دسد مونا	اه، معاون شما، کاسیو. سرور عزیزم، اگر هنوز پسند شما هستم و می‌توانم راهی به دلتان داشته باشم، هم اکنون با وی آشتی کنید. چه، اگر او دوستدار شما نبوده باشد؛ اگر ندانسته، نه از روی شرارت، به این لغزش دچار نگشته باشد، پس راستی که من از شناختن چهره مردم شریف عاجزم. خواهش می‌کنم، نزد خود بازش گردان.
اتللو	او بود که از اینجا رفت؟
دسد مونا	بلی، هم‌بود؛ اما چنان افسرده و نزار که پاره‌ای از اندوهش بر جانم نشست و مرا در رنج او شریک ساخت. دلدار من، او را نزد خود بازگردان.
اتللو	دسد مونا، نازنینم، این دم نه؛ وقتی دیگر.
دسد مونا	ولی، آیا بزودی؟
اتللو	برای خاطر شما، نازنینم، هر چه زودتر.
دسد مونا	امشب، وقت شام؟
اتللو	نه امشب نه،
دسد مونا	پس، فردا هنگام ناهار؟
اتللو	برای ناهار در خانه نخواهم بود. با فرماندهان باید در ارگ باشم.